



تشدید سرکوب، پاسخ جمهوری اسلامی به خواست های کارگران!

با گسترش روز افزون فقر و فلاکت و بیکاری کارگران از یک سو و تعرض و سرکوب وحشیانه ای که سرمایه داران زالو صفت وابسته و رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی بر علیه آنان سازمان داده اند، از سوی دیگر، به موج اجتناب ناپذیر جدیدی از مقاومت و مبارزه در میان طبقه کارگر ایران دامن زده است. به گونه ای که روزی نیست که ما شاهد وقوع ده ها اعتصاب و اعتراض کارگری در کارخانه ها و واحد های تولیدی نباشیم. نقطه اوج این حرکات در روزهای اخیر در جریان تظاهرات

و راه پیمائی کارگران در اول ماه مه تجلی یافت. در این روز نهاد ضدحلقی "خانه کارگر" با کسب مجوز حکومتی سعی داشت تا راه پیمائی آرامی را زیر نام "روز جهانی کارگر" برگزار کرده و سپس در پایان راه پیمائی، کارگران را به بهانه برگزاری "هشتمین کنگره خانه کارگر"، در سالن ۱۲ هزار نفری مجموعه ورزشی آزادی جمع کند. اما هزاران تن از کارگران که از شهر های مختلف کشور با قصد مطرح کردن خواست های خود به تهران آمده بودند، از این فرصت استفاده

کرده و در جریان راهپیمائی و تجمع بعد از آن، با سردادن شعارهای ضد حکومتی، خشم و نفرتشان را از رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی و نهادهای دست ساز آن همچون خانه کارگر به نمایش گذاردند.

در این روز، نخستین درگیری ها در هنگام راهپیمائی کارگران در جاده مخصوص کرج به طرف سالن ۱۲ هزار نفری مجموعه آزادی آغاز گشت. شورای تامین استان تهران در هراس از تجربه سال های گذشته در روز اول ماه مه که منجر به تعرض کارگران به صحن مجلس شده بود، درخواست تجمع کارگران در مقابل مجلس و میدان بهارستان را رد کرده و در عوض با کمک مسئولین مزدور خانه کارگر، همایش کارگران را به نقطه پرت و حاشیه ای در جاده مخصوص کرج بردند. مسیری که در

آن به قول برخی از دست اندرکاران خانه کارگر، "کسی نیست" تا حتی "صدای اعتراض و راه پیمائی" کارگران را بشنود. با مشاهده این امر، کارگران معترض کوشیدند تا مسیر راه پیمائی را به داخل شهر منحرف کنند که با ممانعت و خشونت نیروهای انتظامی گسیل شده به منطقه مواجه گشتند. این امر به سردادن شعارهای ضد حکومتی در میان کارگران به جان آمده منجر شد و برغم کوشش کارگزاران خانه کارگر، کارگران معترض برعلیه ولی فقیه و مجلس و سایر مقامات حکومتی شعار دادند. همچنین کارگران با حمل پلاکاردهایی فریاد می زدند: "قرارداد موقت ملغی باید گردد"، "کارگر، کارگر، اتحاد اتحاد" و ...

(صفحه ۲)

نگاهی به ابعاد دهشتناک قربانی شدن کارگران در اثر سوانح ناشی از کار

طولانی بودن ساعات کار، آلودگی و غیر بهداشتی بودن محیط کار و عدم وجود حداقل وسائل امنیتی هر روز از میان کارگران قربانی می گیرد. در همین رابطه اخیراً ۴ کارگر در اثر رها شدن واگن قطار در مسیر راه آهن شازند- نورآباد در استان مرکزی جان خود را از دست دادند و چندین نفر مجروح شدند. همچنین ۶ کارگر در یک کارگاه سنگ کوبی استان همدان به خاطر کار با مواد کشنده شیمیائی در محیط کار، جان خود را از

دست دادند و چندین کارگر دیگر در انتظار مرگ بسر می برند. مورد دیگر مرگ وحشتناک ۳ کارگر پتروشیمی "شهید تندگویان" در داخل مخزن اسید است که اخیراً بر اثر خفگی جان خود را از دست دادند.

اینها نمونه هایی چند از دهها حادثه مرگباری می باشند که هر روزه قربانیان جدیدی از میان کارگران می گیرند و به نوبه خویش از وضعیت وخیم بهداشت و امنیت جانی این زحمتکشان در واحد های تولیدی بزرگ و کوچک درسیستم سرمایه داری ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی خبر می دهند. موقعیت کارگران در بخشهای حاشیه ای، و در واحد های همچون کارگاههای قالی بافی، کوره پزخانه ها و غیره، از این هم وخیمتر می باشد. بطوری که دامنه وقوع حوادث دهشتناکی نظیر قطع دست، قطع انگشتان

دست و پا، سوختگی و سایر آسیب دیدگی های فیزیکی در اثر کار با ماشین الات غیراستاندارد و فرسوده و غیر ایمنی غیر قابل توصیف است. وخامت شرایط کار کارگران در جمهوری اسلامی به گونه ای ست که در برخی از واحد های تولیدی نظیر کارخانه "پیک شیمی" واقع در جاده مخصوص تهران- کرج، کارگران حتی آب آشامیدنی هم ندارند.

واقعیت این است که برای ایجاد امنیت در محیط کارخانه ها و نجات جان کارگران، کارفرمایان مجبورند هزینه هایی را متحمل شوند. اما آنان با وجود منافع مالی عظیمی که از قبل استثمار و مکیدن شیره جان کارگران می برند حاضر نیستند حتی ذره ای از سود خود بگذرند؛ که البته این امر را با پشتیبانی همه جانبه رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی پیش می برند. تحت چنین

(صفحه ۲)



تشدید سرکوب، پاسخ جمهوری اسلامی به خواست های کارگران!

بقیه از صفحه ۱

با ورود جمعیت معترض به سالن ۱۲ هزار نفری ورزشگاه آزادی و برغم تلاش گردانندگان خانه کارگر در کنترل جمعیت، کارگران خشمگین همچنان به اعتراضات خود ادامه دادند. اعلام این مساله که رفسنجانی قرار است سخنرانی کند، هرچه بیشتر بر خشم کارگران افزود. کارگران با سردادن شعارهای ضد حکومتی، در اداره مراسم نمایشی و سخنان سخنرانان اخلال ایجاد کرده و خواهان مطرح کردن خواست های واقعی کارگران شدند. پس از آن که تلاش های علی رضا محبوب و علی رضا صادقی از گردانندگان مزدور خانه کارگر و شورای اسلامی کار در پشت بلندگو برای خاموش کردن کارگران به جایی نرسید، گردانندگان مراسم سعی کردند با وارد کردن یک گروه اجرای حرکات ورزشی، کارگران را آرام کنند. اما این اقدام رسوای آنان نیز از سوی کارگران به جان آمده با فریادهای "ورزش برای ما نان نمی شود" پاسخ گرفت و در این لحظه کارگران معترض با سردادن شعار، شروع به ترک جلسه کردند. کارگران مبارز و بجان آمده در ضمن خروج از سالن، صندلی ها و روزنامه ها و اوراق تبلیغاتی حکومت را به سمت تریبون مراسم پرتاب کرده و فریاد می زدند "سرمایه دار حیا کن! کارگر را رها کن!"، "قرارداد موقت، ملغی باید گردد"، "قرارداد موقت، برده داری مدرن".

در چنین شرایطی، علیرضا صادقی مزدور که متوجه شده بود با فریبکاری نمی توان کارگران به خشم آمده را فریفته و کنترل نمود، به پشت میکروفون رفت و با نشان دادن ماهیت واقعی و عریان ضد خلقی خویش شروع به تهدید و منکوب کردن جمعیت نمود. او ضمن عربده کشی فریاد زد: "اگر بنا به داد و فریاد و جو سازی باشد، من خردم استاد این کارها هستم!" اما این تهدید و عربده کشی نیز موثر نیفتاد و کارگران همچنان با سردادن شعار، جلسه فرمایشی مزدوران رژیم را ترک کردند. در تداوم این اوضاع، گردانندگان رسوای مراسم اول ماه مه، مجبور شدند تا اعلام کنند که سخنرانی رفسنجانی ملغی شده است. به این ترتیب کارگران مبارز ضمن برهم زدن سخنرانی رفسنجانی و خیمه شب بازی ترتیب یافته از سوی گردانندگان مفتضح خانه کارگر در اول ماه مه، این مراسم را به فرصتی برای طرح خواست های عادلانه خویش و نشان دادن اعتراض

و مخالفت خود با حکومت و سرمایه داران زالو صفت وابسته و ایادی و جیره خواران آنها بدل نمودند.

مقامات رژیم جمهوری اسلامی در شرایطی که از واکنش کارگران و افتضاح خویش در اول ماه مه شدیداً به خشم آمده بودند، در روزهای بعد موجی از حمله و تهدید و ارباب را بر علیه کارگران سازمان داده و کوشیدند تا با انتساب اعتراضات عادلانه کارگران به "گروهکها" و "عوامل نفوذی و آشوبگر" ماهیت ضد خلقی دیکتاتوری حاکم را کتمان سازند. مطبوعات جیره خوار حکومت ضمن دادن وعده دستگیری و سرکوب و مجازات کارگران، از قول رفسنجانی مزدور نوشتند: "در آن جلسه برخی از افراد نفوذی بر علیه دولت، مجلس و دیگر قوای نظام شعار می دادند". گردانندگان خانه کارگر رژیم در غرب تهران نیز با اعلام این که: "خانه کارگر بزودی پاسخ بر هم زندگان مراسم روز جهانی کارگر را خواهد داد" ضمن به نمایش گذاردن ماهیت این ارگان های سرکوب نظام که زیر نام کارگران و در حقیقت برای سرکوب آنها سازمان دهی شده اند، تصریح کردند که: "خانه کارگر هیچ گاه شعار بر علیه دولت و مسئولان کشور را تایید نمی کند و متأسفانه با وجود آن که رییس کانون عالی شورای اسلامی کار در سخنرانی خویش از کارگران خواست که شعار های انحرافی را همراهی نکنند، جمعیت حاضر در ورزشگاه ناآگاهانه با تصور این که شعار های خانه کارگر را همراهی می کنند، گروهک مزبور را همراهی کردند."

اعتراضات برحق و دلاورانه کارگران در روز جهانی کارگر امسال که منجر به برهم خوردن بساط خیمه شب بازی رسوای حکومت و سخنرانی رفسنجانی مزدور شد، بار دیگر شدت فشاری که کارگران از شرایط ذلت بار زندگی و کارشان در نظام دیکتاتوری کنونی تحمل می کنند را به نمایش می گذارد و در همان حال از تداوم و تشدید طغیان اجتناب ناپذیر خشم و نفرت آنان بر علیه عاملین فقر و فلاکت خود خبر می دهد. در چنین شرایطی رشد طبیعی مبارزات خود بخودی طبقه کارگر ایران هراس زیادی را در دل دولتمردان حاکم و نظام دیکتاتوری آنان انداخته و باعث شده که حکومت نه تنها هر چه بیشتر به حربه چماق و سرکوب به مثابه عامل حفظ خویش از گزند جنبش کارگران و زحمتکشان متوسل گردد، بلکه از ضرورت وجود "برنامه ریزیهای دقیقتر" برای مقابله با جنبش انفجاری کارگران صحبت کند. در این رابطه دبیر کل خانه کارگر، علی رضا محبوب

پس از وقایع روز جهانی کارگر عنوان کرد "یک گروه آشوبگر ۳۰۰ نفری با برنامه ریزی قبلی، نظم مراسم روز جهانی کارگر را به هم زدند" و اضافه کرد "آنچه در مراسم روز جهانی کارگر امسال اتفاق افتاد به ما نشان داد که باید در برنامه ریزیهایمان دقیقتر عمل کنیم".

در همین راستا یکی دیگر از مزدوران کارگر نمای رژیم به نام علی اکبر عیوضی با اشاره به تلاش کارگران شرکت واحد برای ساختن یک سندیکای غیر حکومتی در ماه های اخیر، کارگران به جان آمده و منتفر از خانه کارگر و شورای اسلامی کار را تهدید نمود که "سندیکا" غیر قانونی ست. و کارگران "بهتر است خود را درگیر فعالیت های سوال برانگیز سیاسی نکرده و از چارچوب فعالیت های صنفی خارج نشوند زیرا با طرح مسایل سیاسی، برخورد قانونی صورت گرفته به نوعی ست که با یک متخلف سیاسی خواهد بود، در حالی که فعالیت های صنفی امنیت دارد".

شایان ذکر است که در ماه های اخیر به موازات رشد حرکات خودبخودی اعتراضی کارگران، دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی موج جدیدی از دستگیری تهدید و ارباب و سر به نیست کردن کارگران مبارز و فعالین کارگری را سازمان داده است. و بطور مثال پرویز سالاروند، کارگر خط مونتاژ شرکت ایران خودرو که نقش برجسته ای در اعتراضات به حق کارگران این شرکت نسبت به اجحافات صورت گرفته بر علیه آنان داشته از تاریخ ۲۳ فروردین امسال توسط مزدوران حراست این شرکت ربوده و تحت شکنجه و بازجویی قرار گرفته است.

نگاهی به ابعاد دهشتناک قربانی شدن کارگران در اثر سوانح...

بقیه از صفحه ۱

شرایطی ست که چندی پیش دو کارگر در کارخانه "نازک نخ" بر اثر انفجار یک تانکر پوسیده بخار کشته و زخمی شدند. این حادثه در حالی اتفاق می افتد که احتمال انفجار آن از جانب مسئول فنی تاسیسات این کارخانه طی ۳ درخواست کتبی به کارفرمای شرکت ابلاغ شده بود.

علاوه بر فرسودگی ابزار کار و عدم تامین شرایط امنیتی در محیط کار، از ساعات طولانی کار و اوقات کم استراحت نیز باید نام برد که می تواند به عنوان عامل جدی دیگری که باعث فرسایش



← جسم و روح این زحمتکشان، از دست رفتن سلامت آنان، خستگی مفرط و در نتیجه افزایش شمار سوانح کاری مرگبار می شود، نیز یاد کرد. ساعات طولانی کار نه تنها سلامت کارگران را به خطر می اندازد بلکه از طرفی مانع امکان رشد معنوی، عمل اجتماعی و سیاسی آنان نیز می شود. این مسئله بی شک به نفع سرمایه داران خواهد بود.

در همین رابطه باید به نقش دستمزدهای نازل کارگران در تشدید سوانح کاری نیز اشاره کرد. دستمزدهای کارگران - تازه اگر به موقع پرداخت گردند - با توجه به حجم تورم بسیار پائین است و این خود عاملی است که کارگر را وادار می کند تا برای دریافت حقوق بیشتر بدون توجه به قدرت بدنی دست به اضافه کاری بزند و بدین طریق ساعات کار روزانه از آنچه که باید بیشتر می شود. امری که درصد وقوع حوادث مرگبار در هنگام کار را افزایش می دهد.

از سوی دیگر، کارفرمایان به هیچ وجهی نگران از دست دادن کارگران خود نیستند چرا که به علت گسترش سرسام آور صفوف ارتش ذخیره کار در ایران، هزاران کارگر بیکار پشت درهای کارخانه ها در انتظار کار صف بسته اند و تک تک آنان مجبورند برای تامین زندگی خانواده هایشان به هر کار مشقت بار و نا امنی تن در دهند، چرا که هیچ کنترل و یا قانونی در دفاع از کارگران وجود ندارد.

علاوه بر تمام این معضلات، در شرایط وجود ده ها قانون ضد کارگری که توسط رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در روابط بین سرمایه داران زالو صفت و کارگران زحمتکش حاکم شده است، کارگران کوچکترین تامینی هنگام قربانی شدن در زمان وقوع سوانح کاری ندارند.

همانطور که می دانیم بسیاری از کارگران ایران امروز حتی از داشتن حق بیمه های اجتماعی که حقی قانونی است نیز محرومند. چرا که کارفرمایان حاضر به پرداخت هزینه های مقرر به این ادارات نبوده و عملاً به بهانه بدهکاری از بیمه کردن بعضی از کارگران خودداری می کنند. کارفرمایان بارها به منظور شانه خالی کردن از مسئولیت خود در قبال سلامت و جان کارگران، خود کارگر را در وقوع حوادث کار سهل انگار و مقصر دانسته و او را مورد سرزنش قرار داده و به همین بهانه از پرداخت هزینه بیمارستان امتناع ورزیده اند.

در جایی که کارگران با پائین بودن دستمزدها و عقب افتادن حقوق خود حتی قادر به تامین ابتدائی ترین نیازهای روزمره خویش نیستند چگونه می توانند در صورت مواجه شدن با آسیب های فیزیکی و روحی گاهها مرگبار در زمان کار، از عهده پرداخت هزینه های سنگین بیمارستان و دارو برآیند. در نتیجه این کارگران و اعضای خانواده اش اغلب اوقات نه تنها مجبورند از مراجعه به پزشک خودداری کنند بلکه برای ادامه زندگی مشقت بار خویش گاهها ناگزیر به فروش اعضای بدن خود می شوند.



ابتلا به بیماریهای مختلف و صدمات جانی در محیط های آلوده و خطرناک کار پدیده ی جدیدی نبوده و همیشه تا جایی که امکان داشته از جانب سرمایه داران به کارگران تحمیل شده است. کافی است که نگاهی به آمار مرگ و میر کارگران در اثر مشاغل سخت و طاقت فرسا و حوادث در محیط های کارگری بیاندازیم تا از وضعیت اسفبار کارگران مطلع شویم و بیشتر به عمق فجایعی که سیستم استثمارگر سرمایه داری در حیات کارگران ببار می آورد پی ببریم.

برخورد رژیم ضد کارگری ایران با چنین شرایطی، و با کارگران معترض به این شرایط مذلت بار و طاقت فرسا بسیار وحشتناکتر از وضعیت آنان در محیط کار است. رژیم به جای رسیدگی به وضعیت کارگران، بجای تلاش برای بالا بردن امنیت کاری و حل معضلات آنان با صرف هزینه های هنگفت، نیروهای سرکوب خود را هر چه قوی تر و وسیعتر می کند و اعتراضات کارگران هر بار با بی شرمی تمام بیش از پیش به خاک و خون کشیده می شود.

بررسی شرایط ایمنی کارگران در محیط های کار در جمهوری اسلامی و برخورد این رژیم با این معضلات، عرصه دیگری ست که نشان می دهد تاووم فقر، فلاکت و شرایط مرگبار زندگی کارگران، با حیات نظام سرمایه داری گره خورده و رهایی از این شرایط فلاکت بار تنها با مبارزات کارگران و

تمامی اقشار جامعه آنها علیه کلیت سیستم سرمایه داری و کلیت رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی گره خورده است. ■

اقدام به خرید

کمپانی ورشکسته "روور"

بقیه از صفحه ۴

در چنین شرایطی بود که مقامات رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی برای نجات این شرکت امپریالیستی وارد میدان شده و به بهای بی یغما دادن هرچه بیشتر منابع و ثروتهای ملی توده های محروم، خواهان خرید ۱۵۰ هزار عدد از اتومبیل هایی که به علت عدم وجود مشتری، روی دست این شرکت مانده بود، شده و از آن بالاتر خواهان انتقال کل خط مونتاژ عقب مانده "روور" در ایران گشتند. در همین رابطه نماینده شرکت ماشین سازی دستان در بریتانیا با اشاره به تصمیم شرکتهای ایرانی برای خرید کارخانه "روور" گفت "ایران تنها خریدار روور است که خواهان حفظ ساختار روور و حفظ آن می باشد". او به روزنامه دیلی تلگراف گفت: جمهوری اسلامی حتی حاضر است بخشی از مبلغ ۵۷ میلیون پوند مستمری ای که این شرکت به کارمندان خود بدهکار است را نیز بپردازد. ایران می خواهد به این شرکت کمک کند و تمامی خطوط "روور" را بازگشایی کند. به گزارش دیلی تلگراف، پیشنهاد خرید روور می تواند ۲۰ هزار نیروی کار شرکت روور را از بیکاری نجات دهد و بدین وسیله از فشارهای وارده به دولت بریتانیا در رابطه با این شرکت بکاهد.

خرید شرکت ورشکسته و مستعمل "روور" و حفظ ساختار و نیروی کار این کمپانی امپریالیستی توسط جمهوری اسلامی به بهای صرف صدها میلیونها دلار، آن هم در شرایطی که در ایران هر روزه دسته دسته کارگران از کار اخراج شده و بسیاری از واحدهای تولیدی و کارخانجات به علت عدم تخصیص بودجه های لازم از سوی دولت و سرمایه داران زالوصفت وابسته تعطیل می گردند، نمونه دیگری است که نشان می دهد چگونه امپریالیستها به کمک رژیم های وابسته با انتقال بحران های خود به کشورهای تحت سلطه به اشکال مختلف می کوشند به بهای فقر و فلاکت و گرسنگی و بیکاری هرچه بیشتر کارگران و خلقهای محروم ما، سود و سرمایه و اشتغال نیروهای تولیدی خود را حفظ کرده و گسترش دهند. ■



سرمایه گذاری مقامات امریکایی

برای تقویت اسلام

برنامه "ارتباط بین المللی" با اعلام این مطلب اضافه کرده که کاخ سفید در این زمینه به منظور نفوذ میان قلب و ذهن مسلمانان "یک موضع جدید" اتخاذ کرده است. در همین چارچوب برای پیشبرد خط جدید مقامات امریکایی در گسترش اسلام، به سازمان سیا ماموریت داده شده تا همچون دوران جنگ سرد، روزنامه های اسلامی، رهبران مذهبی و احزاب سیاسی مسلمانان را هرچه بیشتر زیر نظر گرفته و در راستای استراتژی امپریالیسم امریکا مورد تقویت قرار دهد. برای انجام این ماموریت "یک افزایش استثنایی در میزان بودجه، کارمندان و سایر امکانات" سازمان سیا صورت گرفته است. سازمان جاسوسی امریکا همچنین برای پیشبرد این استراتژی جدید اختیار یافته تا عملیات گوناگونی، از اعلام نفوذ سیاسی گرفته تا سازمان دادن کارزار تبلیغاتی و غیره انجام دهد. مطابق گزارش سایت "اخبار امریکا" مقامات امریکایی، سازماندهی تظاهرات یک میلیونی مسلمانان در لبنان به طرفداری از طرح آمریکا برای فشار به دولت لبنان در خارج ساختن نیروهای سوری از این کشور و برگزاری موفقیت آمیز "انتخابات" در فلسطین را از زمره گامهای موفقیت آمیز خود در پیشبرد طرح جدید نام برده اند.

مخفی در مبارزه با تروریسم، امریکا میلیونها دلار را صرف تغییر چهره اسلام می کند" به چاپ رسانده و در آن به گوشه هایی از اقدامات امریکا در این زمینه اشاره می کند. در این مقاله با استناد به اظهارات مقامات رسمی تاکید شده که امریکا با صرف دهها میلیون دلار بودجه، در حال گسترش نفوذ خود در کشورهای اسلامی و تلاش برای تغییر چهره اسلام است. در این راستا، مقامات امریکایی حداقل در بیش از ۲۰ کشور اسلامی، بی سر و صدا به برپایی ایستگاههای رادیویی و برنامه های تلویزیونی پرداخته و با گسترش احداث مدارس اسلامی و موسساتی که مباحثات سیاسی اسلامی در آنها جریان دارد، به شدت به تبلیغ و پشتیبانی از "اسلام معتدل" پرداخته اند. یکی از معاونان مشاور امنیت ملی کاخ سفید در

در چارچوب استراتژی "مبارزه با تروریسم" و "اسلام رادیکال" توسط مقامات امریکایی که اسم رمزی برای توسعه سلطه جهان خوارانه امریکا بر سراسر جهان است، اخیرا دولت بوش طرحهای جدیدی را در دست اجرا گرفته است. مطابق یکی از طرحهایی که در ماههای اخیر زیر نام "ارتباطات استراتژیک" به تصویب رسیده، مقامات دولت بوش با اختصاص دهها میلیون دلار بودجه و استفاده از امکانات جاسوسی و تبلیغاتی سازمانهایی نظیر سیا به شدت در تلاشند با تقویت جریانات اسلامی مورد نظر خویش در کشورهای اسلامی، چهره جدیدی از اسلام یعنی "اسلام معتدل" را در افکار عمومی برجسته کنند. سایت "اخبار امریکا" در بخش گزارشات بین المللی خود در ماه آوریل، مقاله ای را با نام "در یک جبهه

"پیام فدایی"

بر روی شبکه اینترنت

از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.fadaee.org/>

از صفحه اشرف دهقانی

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehghani.com/>

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051
London
WC1N 3XX
England

شماره تلفن

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

0044 – 7946494034

آدرس پست الکترونیک

e-mail : ipfg@hotmail.com

پیشنهاد خرید و مونتاژ محصولات بنجل شرکت ورشکسته روور توسط شرکتهای ایرانی در شرایطی مطرح می گردد که کمپانی "روور" در سالهای اخیر، به دلیل کهنگی تکنولوژی و عدم نوآوری در مدلهایش، به سرعت قدرت رقابت خود با سایر شرکتهای مشابه امپریالیستی را از دست داد و در زیر انبوهی از بدهی قرار گرفت. در حقیقت چشم انداز عدم سودآوری و تلاشی این شرکت در سالهای اخیر سرمایه داران صاحب این کمپانی و دولت انگلیس را واداشت تا در پی عقد قراردادهای شراکت با کمپانی های مشابه نظیر فولکس واگن و هوندا برآیند، اما هر یک از شرکتهای فوق پس از مدت کوتاهی، قرارداد خود با "روور" را به علت عدم سودآوری و چشم انداز رشد، فسخ کردند. سرانجام مذاکرات گردانندگان این کمپانی و مقامات دولت انگلیس در ترغیب شرکت خود رو سازی چین برای شراکت و یا خرید "روور" نیز به دلیل آگاهی مقامات چینی از ورشکستگی و عدم سودآوری روور به شکست انجامید. کمپانی "روور" در پروسه انحلال قرار گرفت و در دور اول، هزاران کارگر این شرکت با دهها سال سابقه اخراج و بیکار شدند.

(صفحه ۳)

اقدام به خرید

کمپانی ورشکسته

"روور"

عزم مقامات دزد و فاسد رژیم جمهوری اسلامی در خرید شرکت ماشین سازی ورشکسته "روور" انگلیس در روزهای اخیر، سند دیگری از مملکت فروشی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را به نمایش گذارد و خشم و نفرت افکار عمومی نسبت به این اقدام حکومت را برانگیخت. در همین رابطه روزنامه "دیلی تلگراف" گزارش داد که دولت جمهوری اسلامی به سه شرکت داستان، سایپا و ایران خودرو دستور داده است با همکاری هم، پیشنهاد مشترکی را به شرکت روور ارائه کنند که براساس آن، طی دو سال آینده و قبل از آغاز مونتاژ این اتومبیل در ایران، ۱۵۰ هزار دستگاه از این اتومبیل توسط آنها خریداری می شود."

